

مطالعه عوامل مداخله‌گر و پیامدی مهاجرت بازگشتی اساتید دانشگاه‌های دولتی شهر تهران

آتیه عبدمولایی^۱

رضا صفری شالی^۲

شهلا کاظمی‌پور^۳

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸

چکیده

یکی از مهمترین سرمایه‌های هر کشوری، نیروی انسانی متخصص است و بی‌شک در این میان نقش اساتید دانشگاه بیش از دیگران در توسعه و پیشرفت کشور مهم است. هدف از این تحقیق، مطالعه عوامل مداخله‌گر و پیامدی مهاجرت بازگشتی اساتید دانشگاه از خارج کشور می‌باشد. این پژوهش با استفاده از روش کیفی و به‌طور خاص رویکرد روشی داده بنیاد (گراند تئوری) می‌باشد. جامعه هدف مورد مطالعه پژوهش شامل کلیه اساتید دانشگاه‌های دولتی شهر تهران که از بازه زمانی ۱۳۹۰ تاکنون مهاجرت بازگشتی داشته‌اند. حجم نمونه، ۳۰ نفر براساس اشباع نظری تعیین و اعتبار یافته‌ها از طریق تأیید و تطبیق با نظر داوران متخصص و مطلعین موضوعی و روشی تأمین گردیده است. در این پژوهش اطلاعات از طریق مصاحبه ژرفانگر و به‌صورت نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد. تحلیل مصاحبه‌های فارغ‌التحصیلان، به شکل‌گیری چهارچوب مفهومی در قالب تعریف و برداشت اساتید از، شرایط و عوامل مداخله‌گر و در قالب «عدم بنیه مالی»، «سیاست‌گذاری‌های حاکم»، «فعالیت رسانه» و شرایط پیامدی در قالب «اقتصادی»، «اجتماعی - فرهنگی»، «روانشناختی» انجامید. با در نظر گرفتن ارتباط بین مقوله‌های ذکر شده، در نهایت مقوله کنشگری جمعی، عملکرد و ساختار به‌عنوان مقوله هسته انتخاب شد.

واژگان کلیدی: نیروی انسانی، مهاجرت بازگشتی، عوامل مداخله‌گر، عوامل پیامدی، سیاست‌گذاری.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

reza_safaryshali@khu.ac.ir

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

۳- دانشیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران.

مقدمه

یکی از عواملی که امروزه نقش پراهمیت و بسزایی در رشد و توسعه هر جامعه دارد منابع انسانی آن جامعه می‌باشد. نیروی انسانی به‌ویژه نیروی متخصص، در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه نقش اساسی ایفاء می‌کند. منابع انسانی از سرمایه‌های اصلی هر کشوری تلقی می‌شوند که در رأس آن‌ها، نخبگان به‌عنوان یکی از زیربناهای بنیادین و مهم توسعه‌ای هستند که در بستر زمان می‌توانند مدیریت ابعاد مختلف یک جامعه را متأثر سازند. در واقع، نخبگان علمی اصلی‌ترین رکن تولید دانش در نهادهای آموزشی و دانشگاهی، دارای بالاترین نقش اثرگذار در فرآیند توسعه هستند و هرگونه اختلال در روند جامعه‌پذیری علمی و تقویت بنیه‌های دانشگاهی و شغلی، جایگاه اجتماعی و عوامل مرتبط با آن می‌تواند زمینه‌های مهاجرتی تحصیل‌کردگان و متخصصین را فراهم سازد؛ نخبگانی که هزینه‌های زیادی مصروف رشد فکری و پرورش علمی آن‌ها شده است. به‌عبارت دیگر سرمایه‌های انسانی یا همان نیروهای متخصص و ماهر، هم ابزار هستند و هم هدف توسعه. امروزه نیروی تفکر و مدیریت جامعه، یک ثروت محسوب می‌شود و مهاجرت متخصصان و نخبگان می‌تواند موازنه علمی یک سرزمین را با چالش جدی مواجه کند (خاوری‌نژاد، ۱۳۹۳: ۳۰). پیشرفت و ترقی کشورها در گرو جذب، پرورش، نگهداری و بهره‌برداری صحیح از نخبگان و منابع انسانی فرهیخته است. علی‌رغم تحمل هزینه و سرمایه‌گذاری زیاد کشورهای در حال توسعه برای تربیت این منابع، این کشورها با پدیده‌ای به نام «مهاجرت نخبگان» یا «فرار مغزها» روبه‌رو هستند که این امر لطمات جبران‌ناپذیری را از لحاظ اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به این کشورها وارد می‌سازد و عملاً فرصت بهره‌برداری از این سرمایه‌گذاری را از کشورهای در حال توسعه سلب می‌نماید. با این توضیحات، یکی از انواع مهاجرت که بیش‌ترین لطمه را به کشور مبدأ وارد می‌کند مهاجرت نیروهای متخصص و نخبگان است زیرا این کشورها با صرف هزینه نسبت به تربیت و آموزش افراد در جهت نیازهای علمی خود اقدام می‌کنند ولی با وجود دافعه‌ها در کشورهای در حال توسعه و جاذبه در کشورهای توسعه‌یافته، بخش قابل توجهی از این افراد آموزش دیده اقدام به مهاجرت می‌نمایند که این امر باعث ایجاد مشکلاتی در کشور مبدأ می‌گردد. لزوم بهره‌مندی از سرمایه انسانی مهاجران در اسناد بالادستی تأکید شده است به طوری‌که در بند ۱۲ سیاست‌های کلی نظام و براساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی در اردیبهشت سال ۱۳۹۳ به «تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه‌گذاری و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان» تأکید شده است. همچنین در بند ۶ - ج - ماده ۲ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و راهبرد کلان ۹ نقشه جامع علمی کشور جذب برگزیدگان علمی ایرانی مقیم خارج یا داوطلبان نخبه خارجی از جمله برنامه‌های توسعه علمی کشور به‌حساب می‌آید. در این رویکرد

مهاجرت متخصصان به معنای سرمایه‌گذاری بالقوه است و نه از دست دادن آن (به نقل از سعیدی، ۱۳۹۸: ۱۱۶).

پدیده مهاجرت، همیشه وجود داشته اما تشدید مشکلات و تغییرات اجتماعی و فرهنگی کشورها، باعث موج جدید مهاجرت‌ها شده و با بهبود وضعیت شیوع کرونا، باز هم موج جدیدی از مهاجرت‌ها را خواهیم داشت و این مسأله، بحران را جدی‌تر می‌کند (دنیای اقتصاد، ۱۴۰۰). در شرایط کنونی نیز تعداد قابل توجهی از مردم دنیا در طول زندگی‌شان مهاجرت را تجربه می‌کنند. این اتفاق مهمی است که زیربنای زندگی روزمره فرد را می‌سازد و سبب می‌شود مطالعه در مورد ابعاد و پیامدهای مختلف مهاجرت با تعمق صورت گیرد (بویل، ۱، ۲۰۰۹: ۱۰۹). مهاجرت بین‌المللی تغییر مکان اقامت فرد از یک کشور به کشور دیگر تعریف می‌شود (کرتیز، ۲، ۲۰۰۷: ۲۰۱۹). مهاجرت به‌خصوص مهاجرت‌های بین‌المللی بدل به امری بسیار رایج و متداول در جهان امروز شده است چرا که تقریباً هیچ کشوری در جهان یافت نمی‌شود که با پدیده مهاجرت نیروی انسانی به خارج یا ورود به داخل کشور خود مواجه نباشد و همه کشورها با درجات مختلفی از این پدیده مواجه هستند. بر همین اساس مهاجرت برای بسیاری از کشورها فرصت و برای دسته‌ای نیز تهدید تلقی می‌شود (سالنامه مهاجرت، ۱۳۹۸). امروزه مهاجرت‌های بین‌المللی به‌صورت قسمتی از ساختار اقتصادی و اجتماعی کشورها درآمده است و پیامدها و نتایج مثبت و منفی این نوع مهاجرت‌ها بیشتر کشورها را درگیر کرده است. از این رو مهاجران داوطلب معمولاً به دنبال مقصدی می‌گردند که آرزوها و نیازهایشان در آنجا برآورده شود (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۴: ۲۰۸). از سوی دیگر جاذبه‌هایی در خارج از کشور وجود دارد که انگیزه متخصصین را بالا برده و به دلیل شرایط نامساعد مالی و عدم امکانات کافی و چشم‌اندازهای اقتصادی و حرفه‌ای امید بخش آن‌ها را به مهاجرت تشویق می‌کند (خاوری‌نژاد، ۱۳۹۳: ۳۰). مهاجرت‌های بین‌المللی در دو دهه گذشته رشد چشم‌گیری داشته که عمدتاً به دلیل فعالیت‌های اقتصادی جهانی و تأثیر متعاقب آن بر مهاجرت نیروی کار است (دمیرکایا^۳ و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۹۸).

طبق آمار سازمان ملل در سال ۲۰۱۰، مهاجران بین‌المللی ۳/۱ درصد جمعیت دنیا را شامل می‌شود و نرخ تغییر سالیانه آن‌ها به‌خصوص در کشورهای توسعه یافته در حال افزایش است. این وضعیت طی چند دهه اخیر تبدیل به موضوع حساسی در بحث‌های سیاسی کشورها به‌خصوص کشورهای با درآمد بالا گردیده و دارای اهمیت ویژه‌ای برای مسولان این کشورهاست (میگوت^۴، ۲۰۰۸: ۶۳۷). از سوی دیگر

۱- Boyel
۲- Cretis
۳- Demirkaya
۴- Migot

بخش عمده‌ای از مهاجران ایرانی خارج از کشور را متخصصان و تحصیل‌کردگان تشکیل می‌دهند درحالی‌که خروج آن‌ها از کشور مبدأ جامعه را از وجود آن محروم می‌سازد اما بازگشت آن‌ها به‌عنوان منبع عظیم سرمایه‌های انسانی، می‌تواند نقش مهمی در توسعه اجتماعی و فرهنگی کشور ایفا کند. اساساً، بسیاری از مهاجرین اغلب با این هدف در کشور مقصد زندگی می‌کنند که بالاخره روزی به وطنشان باز برگردند. (کینگ^۱، ۲۰۰۰: ۷) معتقد است «مهاجرت بازگشتی فصل بزرگ نانوشته در «تاریخ مهاجرت» است. در گذشته بسیاری از بازگشت‌ها به‌طور ناگهانی و بدون برنامه‌ریزی رخ می‌داد، بنابراین ثبت نشده باقی می‌ماند. به همین دلیل ثبت آن مثل بقیه مسایل مانند اسکان دادن و ادغام یا یکپارچگی مورد توجه قرار نگرفت» (سازمان بین‌المللی مهاجرت، ۲۰۰۸). بخش بزرگی از مهاجران انتظار دارند که، در نهایت، زمانی که به اهدافشان دست پیدا کردند، چه این اهداف تحصیلی، اقتصادی یا جز از این باشد، به وطن خود بازگردند، جایی که تمام دارایی خود را هنگام مهاجرت ترک کرده بودند (سگال و هیک^۲، ۲۰۱۲) و زمانی که مهاجرین به زادگاه خود برمی‌گردند، کاملاً ضروری است که آمادگی این بازگشت را داشته باشند، به همان صورت که در زمان مهاجرت، آمادگی مهاجرت را داشتند. با بازگشت آن‌ها به کشور مبدأ، توانایی بسیج منابع انسانی و اجتماعی یکی از عناصر اصلی در فرآیند یکپارچه‌سازی مجدد آن‌ها است (کاسارینو^۳، ۲۰۰۴). پس بازگشت تنها یک جابجایی مکانی نیست، بلکه همچنین «برگشت به زمانی قبل در گذشته» نیز هست (تسودا^۴، ۲۰۱۹: ۲۴۱). هدف سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های جدید در سرتاسر جهان این است که مهاجران را به ترک کشورهای میزبان و مقصد تشویق کند تا به کشور اصلی و وطن خود برگردند. «تسودا و سونگ» (۲۰۱۹) در همین راستا بر نقشی که دولت‌های آسیایی در شکل دادن مهاجرت بازگشتی بازی می‌کنند، تأکید می‌کنند. کشورهایمانند ویتنام، مهاجران ثروتمند و تحصیل‌کرده را بیشتر و بیشتر به‌عنوان منبعی می‌دانند که باید به خانه بازگردانده شوند (تسودا و سونگ، ۲۰۱۹: ۲۸). اغلب، این سیاست‌های شکل گرفته بر اساس روایت‌هایی از «توسعه» است که مهاجران بازگشتی به‌عنوان عوامل تغییر معرفی می‌شوند. در عین حال، کشورهای مبدأ مانند غنا و سنگال سیاست‌هایی را برای ترویج بازگشت مهاجران بسیار ماهر طراحی کرده‌اند (آکسون^۵ و همکاران، ۲۰۱۵: ۱). قابل استدلال است کشورهای جهان جنوب^۶ جمعیت رو به رشدی دارند، «فرار مغزها» در این کشورها

۱- king

۲- Segal & Heck

۳- Casarino

۴- Tsuda

n- Axon

۶- اصطلاحی است به کار رفته در مطالعات فراملیتی و پسااستعماری، برای اشاره به آنچه که ممکن است جهان سوم نامیده شده است، یعنی آفریقا و آمریکای لاتین و کشورهای در حال توسعه در آسیا.

کشورها به‌طور خاص مشکل‌ساز است زیرا این کشورها تعداد زیادی از نیروهای ماهر کارشان را از دست می‌دهند که موجب شکاف آموزشی برای نسل بعد می‌شود. بازگشت مهاجران می‌تواند به کاهش مسائل مهمی که چندین کشور با آن‌ها روبرو هستند کمک کند و می‌تواند برای برخی از مهاجرینی که قادر به یافتن جایگاهی متناسب با صلاحیت‌هایشان نیستند که از آن، به‌عنوان «اتلاف مغز» می‌اطلاق می‌شود، مفید باشد (سگال^۱، ۲۰۱۶: ۱۷۱). بر این اساس بازگشت مهاجرین به موطن اصلی خود برای زندگی به دلایل گوناگون، که مهم‌ترین آن توسعه زیرساخت‌ها و امکانات زیربنایی برای فعالیت‌های اقتصادی و رشد و پیشرفت فرهنگی و سیاسی در منطقه مهاجرفرست می‌باشد، منجر به بروز پدیده مهاجرت معکوس می‌شود. بدون شک در ظهور پدیده مهاجرت بازگشتی عوامل خرد - کلان در کشور مبدأ و مقصد اثرگذار می‌باشد، این مهاجرت‌ها در مبدأ و مقصد اثرات غیرقابل انکاری دارد و عدم توجه به کمیت، کیفیت و پیامدهای این پدیده، موفقیت برنامه‌ها را با چالش روبرو می‌سازد. بنابراین مهاجرت بازگشتی در ایران از موضوعاتی است که کمتر به آن پرداخته شده است، نوظهور بودن این شکل از مهاجرت در ایران، کمبود اطلاعات به‌ویژه در کشور، عدم دستیابی به این نوع مهاجران را می‌توان از عوامل دخیل در تمایل به شکل‌گیری این مطالعات ذکر نمود. نادیده‌انگاری یا کم توجهی به فهم زندگی پس از بازگشت یکی از دلایل بروز این تصور نادرست است که با بازگشت فیزیکی چرخه مهاجرتی پایان می‌پذیرد. باید به‌خاطر داشت که بازگشت پایدار زمانی رخ می‌دهد که فرد بازگشت‌کننده در روندهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور خاستگاه دوباره ادغام شده و احساس کند به محیطی امن و پایدار بازگشته است، در غیر این صورت فرد بازگشت‌کننده دوباره به فکر مهاجرت می‌افتد و توجه کمتری به مراحل بعدی بازگشت شده و اثر آن‌ها بر تصمیم به مهاجرت دوباره صورت می‌گیرد. واقعیت آن است که چنانچه رویکرد سیاستی منسجمی برای کنترل و مدیریت پدیده مهاجرت توسط نظام حکمرانی و جامعه (فرستنده و گیرنده) وجود نداشته باشد، مهاجرت ورودی و خروجی هر دو تبدیل به بحران و چالش اساسی برای کشور خواهد شد. این در حالی است که سیاست‌گذاران، یکی از راه‌حل‌های مسأله مهاجرین را بازگشت داوطلبانه اعلام می‌دارند، در حالی که بسترهای همین راه‌حل را مهیا نساخته‌اند و چنانچه پیاده‌سازی سیاست‌های هدف‌گذاری شده در کشور به‌درستی صورت گیرد، امکان‌گذار ایران از یک کشور بازنده به یک کشور برنامه محور وجود دارد. اما در صورتی که توجه کافی به اجرای برنامه‌های در دستور کار می‌ذول نگردد نه تنهای پیشرفتی صورت نخواهد گرفت، بلکه با پسرقت درزمره‌ی کشورهای بازنده قرار خواهد گرفت. بزرگ‌ترین اولویت و دغدغه این است که زمینه‌ای فراهم شود تا دانشجویان ضمن امکان سفر به خارج از کشور، تحصیل و کسب دانش، به کشور باز گردند و در زیست بومی که برای تبدیل

۱- Segal

ایده‌ها و دانش آنان به کسب‌وکار نوآورانه است، فعالیت کنند. پس باید محیطی را فراهم کنیم که چرخش نخبگان علمی و فناورانه وجود داشته باشد (کامکار، ۱۳۹۸). مطالعات تجربی انجام شده در داخل از جمله صنایعی (۱۳۹۷)؛ مشفق و نصری (۱۳۹۷). قاسمی اردهایی و همکاران (۱۳۹۵) و در خارج از کشور از جمله کوثر و همکاران (۲۰۱۵). هاس^۱ و فوکما^۲ (۲۰۱۱) سنیرکلی^۳ و منجیوار^۴ (۲۰۱۱)، هر چند که با رویکرد مهاجرت معکوس (از شهر به روستا) و در بخش خارجی به علل و بسترهای مهاجرت بازگشتی پرداخته‌اند اما ناظر به موضوع و پدیده مهاجرت بازگشتی می‌باشد. به همین دلیل این مقاله در صدد است تا به مطالعه عوامل مداخله‌گر و پیامدی مهاجرت بازگشتی اساتید دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بپردازد، منظور از عوامل مداخله‌گر «شرایط زمینه‌ای عمومی که بر راهبردها اثرگذار هستند» / شرایط مداخله‌گر، شرایطی هستند که تأثیرگذاری عوامل علی و زمینه‌ای را تسهیل یا دشوار می‌سازند / شرایط مداخله‌گر بر راهبردها تأثیر می‌گذارند و از جهتی نیز در کنار زمینه‌ها روند پدیده محوری را کند و یا تسریع می‌کنند و نقش فعالی در این زمینه دارند و منظور از پیامدها «رویدادی که در نتیجه یا بر اثر عمل یا پدیده‌ای به وجود می‌آید» (صدری افشار و همکاران، ۱۳۸۳). پیامدها نتیجه اتخاذ راهبردها هستند.

به‌رغم اهمیت این مسأله در کشور ما، انجام چنین پژوهشی از این جهت ضرورت دارد که روند فزاینده مهاجرت تحصیل‌کردگان موجب تقلیل بنیه علمی کشور می‌شود و غفلت از حوزه مهاجرت و بازگشت تحصیل‌کردگان و عدم سیاست‌گذاری فعال در این حوزه منجر به این خواهد شد که بهره‌گیری از فرصت‌های جمعیت مهاجر از داخل ایران به خارج از کشور منتقل شود و جامعه همچنان در حسرت از دست دادن و عدم استفاده از سرمایه‌های انسانی و مالی خود باشد. از این رو سیاست‌گذاران می‌توانند با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر به درک بهتری از «مقوله پدیده مهاجرت بازگشتی» رسیده و به نگاهی بهتر و عمیق‌تر درباره مهاجرت تحصیل‌کردگان دست یابند، همچنانکه مقاله حاضر می‌تواند مبنایی برای بیش‌بهتر مسئولان بخش‌های اقتصادی، آموزشی و اجتماعی شده و با توجه به اشاره‌ای که به چگونگی ضعف‌ها و ناکارآمدی‌های کلیه بخش‌ها، موجبات اصلاح و بهبود وضع موجود و افزایش خدمات و تقویت زیر ساخت‌های اقتصادی، آموزشی و اجتماعی را فراهم آورد.

مقاله حاضر درصدد است، با استفاده از پارادایم تفسیرگرایانه و با توجه به تغییرات فرهنگی و اجتماعی و وجود جاذبه و دافعه در مهاجرت فرستی و مهاجرت بازگشتی به بازسازی معنایی ادراک اساتید از پدیده

۱- Haas
۲- Fukkma
۳- Seniorkley
۴- Manjivar

مهاجرت پرداخته شود و نشان داده شود که مشارکت‌کنندگان چه درکی از پدیده مهاجرت بازگشتی، عوامل مداخله‌گر و پیامدهای مثبت و منفی دارند. بنابراین مسأله اساسی در مقاله حاضر آن است که تجارب زیسته و معانی ذهنی اساتید و کنشگران از پدیده مهاجرت بازگشتی چیست؟ چه عوامل مداخله‌گر و میانجی در مقصد باعث ظهور و تشکیل پدیده مهاجرت بازگشتی شده است؟ و پیامدهای مثبت و منفی این پدیده پس از بازگشت مهاجرین چیست؟

جدول شماره (۱): وضعیت دانشجویان ایرانی در جهان بر اساس شاخص‌های آماری مختلف

سال	تعداد دانشجویان خروجی از ایران (هزار نفر)	سهم دانشجویان خروجی از کل جمعیت دانشجویان ایران	بازگشت تجمعی ایرانیان متخصص خارج از وطن	میزان جذب دانشجویان بین‌المللی در ایران (هزار نفر)	خالص چرخش نخبگان در ایران ^۱	تعداد دانشجویان بین‌المللی در جهان (میلیون نفر)	رتبه دانشجویفروسی ایران در جهان
۲۰۰۳	۱۹/۳	-/۰۱۰	-	-	-	۲/۶	۲۹
۲۰۰۴	۲۰/۹	-/۰۱۰	-	-	-	۲/۷	۲۸
۲۰۰۵	۲۳/۴	-/۰۱۰	-	-	-	۲/۸	۳۶
۲۰۰۶	۲۵/۱	-/۰۰۹	-	-	-	۲/۹	۲۲
۲۰۰۷	۲۹/۵	-/۰۰۹	-	-	-	۳/۱	۲۰
۲۰۰۸	۳۳/۲	-/۰۱۰	-	-	-	۳/۳	۱۸
۲۰۰۹	۳۹/۷	-/۰۱۰	-	-	-	۳/۵	۱۵
۲۰۱۰	۴۴/۵	-/۰۱۱	-	-	-	۳/۸	۱۳
۲۰۱۱	۵۰/۴	-/۰۱۱	-	۴/۵	-/۰۴۶	۴/۰	۱۳
۲۰۱۲	۵۴/۶	-/۰۱۲	-	۷/۸	-/۰۴۷	۴/۱	۱۲
۲۰۱۳	۴۹/۵	-/۰۱۱	-	۱۱/۲	-/۰۳۸	۴/۲	۱۴
۲۰۱۴	۵۰/۸	-/۰۱۰	-	۱۴/۹	-/۰۳۶	۴/۵	۱۵
۲۰۱۵	۵۱/۱	-/۰۱۲	۱۱۳	۱۸/۷	-/۰۳۲	۴/۸	۱۶
۲۰۱۶	۵۲/۸	-/۰۱۳	۳۳۶	۲۱/۰	-/۰۳۱	۵/۱	۱۷
۲۰۱۷	۵۲/۵	-/۰۱۴	۸۰۶	۲۰/۶	-/۰۳۱	۵/۳	۲۰
۲۰۱۸	-	-	۱۰۹۷	۲۱/۶	-	۵/۳	-
۲۰۱۹	-	-	۱۴۰۲	-	-	۵/۳	-
۲۰۲۰	-	-	۱۵۶۰	-	-	-	-

منابع (یونسکو، ۲۰۲۰) سانامه مهاجرنی ایران، آمار دریافتی از معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری ۱۳۹۸.

تعداد دانشجویان ایرانی در خارج از کشور نیز به مرور و همراستا با افزایش کل جمعیت دانشجویان کشور و نیز افزایش جمعیت دانشجویان بین‌المللی در جهان، روند صعودی داشته و از تراز ۱۹ هزار دانشجو در سال ۲۰۰۳ میلادی به تراز ۵۳ هزار دانشجو در سال ۲۰۱۷ رسیده است. علیرغم اینکه تعداد دانشجویان بین‌المللی ایرانی روندی فزاینده داشته است؛ اما تعداد آن‌ها در سال‌های اخیر ثابت شده و در تراز ۵۲ هزار نفر ثابت باقی مانده است. علاوه بر این، نرخ رشد جمعیت دانشجویان بین‌المللی ایرانی در قیاس با نرخ رشد جمعیت دانشجویان بین‌المللی در جهان کندتر بوده است. بدین ترتیب، سهم

۱- این شاخص از تفاضل خروج دانشجویان ایرانی از مجموع جذب دانشجویان بین‌المللی و بازگشت تجمعی ایرانیان متخصص خارج از وطن در یک جمعیت ۱۰۰ هزار نفری به‌دست می‌آید.

دانشجو فرستی ایران در کل بازار دانشجویان بین‌المللی جهان از سال ۲۰۱۲ روندی کاهشی به خود گرفته و از حدود ۱/۳ درصد به حدود ۰/۹ درصد رسیده است. بر همین اساس رتبه دانشجوی فرستی ایران در جهان از رتبه ۲۹ ام در سال ۲۰۰۳ به رتبه ۱۲ ام در سال ۲۰۱۲ میلادی رسیده است. با این حال رتبه در بازه ۲۰۱۲-۲۰۱۷ روندی کاهشی داشته به طوری که در سال ۲۰۱۲ میلادی، رتبه دانشجوی فرستی ایران در جهان به مقام ۲۰ ام تنزل پیدا کرده است. سهم دانشجویان خارج از کشور به نسبت کل جمعیت دانشجویان کشور علی‌رغم افزایش عددی قابل توجه جمعیت دانشجویان، در طول ۱۵ سال گذشته رقمی تقریباً ثابت مانده است و نرخ حدود یک درصد را داشته است. از نکات دیگر، افزایش جمعیت دانشجویان بین‌المللی مشغول به تحصیل در ایران می‌باشد که از تراز ۴ هزار در سال ۲۰۱۱ به تراز ۲۱ هزار در سال ۲۰۱۸ افزایش یافته است (سالنامه مهاجرتی، ۱۳۹۸: ۴۷).

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که به‌طور پیوسته و با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی که رخ داده است، با معضل مهاجرت نخبگان روبرو بوده است. در دوران جدید و همگام با تحولات رو به گسترش آن، به‌ویژه با پدیده جهانی شدن فرهنگ و گسترش انقلاب ارتباطات و رسانه‌ها، شاهد ابعاد تازه‌ای از مهاجرت نخبگان علمی هستیم. آمارهای منتشر شده از سوی صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که ایران از لحاظ فرار مغزها در میان ۶۱ کشور در حال توسعه رتبه نخست را دارد (پایک، ۲۰۰۰ به نقل از صالحی، ۱۳۸۶: ۵۷). سایر آمار هم مهاجرت رویه رشد ایرانیان تحصیل کرده به خارج از کشور در دوره ۱۹۹۳-۱۹۷۳ را نشان می‌دهد، به‌گونه‌ای که در این دوره به‌طور میانگین هر ساله نزدیک به دوازده هزار نفر نیروی کارشناس از ایران به دیگر کشورها مهاجرت کردند (الموتی، ۱۳۸۳: ۳۴۹).

در این بخش به چند پیشینه داخلی و خارجی، مرتبط با موضوع مورد مطالعه پرداخته می‌شود: یعقوبی و زبیدی (۱۳۹۷). در مقاله‌ای با موضوع «بررسی انگیزه‌ای مهاجرت معکوس و پیامدهای آن در روستاهای شهرستان ایجرود» نشان دادند پیامدهای مهاجرت معکوس در سه عامل توسعه شاخص‌های عمرانی و سلامتی، افزایش نرخ مشارکت و سرمایه‌گذاری و آرامش روانی خلاصه شده است.

سعیدی (۱۳۹۸). در پژوهشی با عنوان «مهاجرت بازگشتی متخصصان و آموزش عالی ایران، به این نتایج دست یافت که چالش‌های متعددی همچون غلبه نگاه فنی بر نظام آموزشی و مهاجرت علوم انسانی، منطبق نبودن تخصص و مهارت‌های مهاجران بازگشتی با نیازهای اعلامی دانشگاه‌های کشور، کمیت محوری نظام ارزشیابی در دانشگاه، توزیع نامناسب منابع، نبود زیرساخت‌های لازم در به فعلیت رسیدن تخصص مهاجران، از دست دادن شبکه‌های حمایتگر آکادمیک و تفاوت استاندارد تولید روزه در داخل و خارج از کشور همراه است.

قاسمی و همکاران (۱۳۹۳). در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر علل شکل‌گیری مهاجرت معکوس در نواحی روستایی» به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل محیطی به میزان زیادی مهاجرت معکوس را تبیین می‌کند.

قلاسی (۱۳۹۳). در پژوهشی به بررسی و تحلیل «مهاجرت معکوس شهر به روستا و عوامل مؤثر بر آن» به این نتیجه رسیده است که پایداری مهاجرت معکوس در روستاهای مورد مطالعه، مشروط به توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی و در واقع تقویت زیربناهای توسعه می‌باشد و می‌توان با ایجاد فضای کسب و کار، رونق فعالیت‌های کشاورزی و صنایع دستی و افزایش مشارکت روستائیان در اجرای برنامه‌های توسعه روستایی، به مهاجرت معکوس در روستاهای مورد مطالعه روندی افزایشی داد.

عباسی شوازی و همکاران (۱۳۹۵). در پژوهشی با عنوان «ماندن یا مهاجرت دوباره مهاجران بازگشته افغانستانی از ایران به کشورشان و عوامل تعیین‌کننده آن» اشاره داشتند که تجربه بازگشت پناهندگان افغانستانی از ایران به افغانستان چندان پایدار نیست چرا که بیش از نیمی از بازگشت‌کنندگان قصد مهاجرت دوباره از افغانستان را دارند یا نسبت به ماندن در افغانستان مردد هستند. همچنانکه یافته‌ها حاکی از این است که متغیرهای قومیت، تحصیلات، وضعیت زناشویی، ترکیب همسایگان، مدت مهاجرت در ایران، نوع بازگشت، رضایت اجتماعی، احساس تبعیض و سطح بازادغام اجتماعی تأثیر معناداری بر ماندن یا مهاجرت دوباره دارند.

کریم و همکاران (۲۰۱۸). در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر مهاجرت معکوس بر امنیت و پایداری اجتماعی» نشان می‌دهد مهاجرت معکوس بر امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری داشته است.

کرانفیلد (۲۰۱۱). در مقاله‌ای با عنوان اینکه «آیا افغانستان می‌تواند بر بازگشتی‌ها چیره شود؟ آیا مراجعت‌کنندگان می‌توانند در افغانستان سازگار شوند؟» به مسأله پایداری بازگشت‌ها و تداوم جریان جابجایی‌های فرامرزی می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که باید پذیرفت بازگشت‌ها به معنای کلاسیک آن راه‌حل نهایی نیستند و جریان‌های مهاجرتی همچنان ادامه دارند (و این امر، اتفاق بدی نیست) باید تصدیق کرد که جابجایی یک قاعده است نه استثنا و در این راستا، جابجایی‌ها بهتر است تنظیم و نظارت شوند؛ باید شیوه‌هایی برای تضمین حقوق پناهندگان و بازگشت‌کنندگان در چارچوب حقوق بشر در نظر گرفته شوند؛ باید بر راهبردهای توسعه در هر سوی مرز تأکید گردد. توجه به این موارد، بنیان بهتری برای نظارت و هنجارمندی عبور و مرور فراوان فرامرزی و نیز توسعه منطقه فراهم خواهد کرد.

مارتین و رادو (۲۰۱۰). در تحقیق درباره «تجربه اروپای شرقی درباره مهاجرت معکوس» دریافته‌اند که تجربه شغلی که مهاجران معکوس به کشورهای اروپای شرقی به‌دست آورده‌اند، سبب شده است که آن‌ها در کشورهای مبدأ درآمدهای بالاتری را کسب کنند و همین امر سبب شده است که ساکنان این

کشورها نسبت به مهاجرت‌های کوتاه مدت به کشورهای دیگر راغب‌تر شوند و فکر مهاجرت دائم را کنار بگذارند.

سنر^۱ (۲۰۱۸). در پژوهشی با عنوان «مهاجرت بازگشتی مهاجرین نخبه ترکیه از آلمان و ایالات متحده» با هدف مهاجرت بازگشتی مهاجرین نخبه ترکیه به کشور خود را (که به کشورها آلمان و ایالات متحده مهاجرت کرده بودند) بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که وقتی مهاجرین، مهاجرت بین‌المللی را یک تجربه مثبت تلقی کنند، مهاجرت بازگشتی لزوماً پایان چرخه مهاجرت نمی‌باشد و آن‌ها بیشتر تمایل دارند که تجربه مهاجرت را تکرار کنند.

بیرآرا^۲ (۲۰۱۳). در پژوهش «چالش‌های پذیرش مجدد اجتماعی برای مهاجرین اتیوپیایی ساکن در عربستان سعودی و بازگشت آن‌ها» به مطالعه چالش‌های مجدد اجتماعی در بین مهاجرین بازگشتی اجباری با روش کیفی پرداخته است، یافته‌ها حاکی از این است که پیوستن دوباره مهاجران بازگشتی به خانواده و محیط اجتماعی آن‌ها آسان نبوده است؛ چنانچه چالش‌های پذیرش مجدد اجتماعی برگشت‌کنندگان کشور خود در افراد مختلف با یکدیگر فرق می‌کند.

چن و لیو (۲۰۱۶). در تحقیقی نشان دادند که دل بستگی فرهنگی - اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در بازگشت مهاجرین نسل اول و مشوق‌های اقتصادی برای مهاجران روستایی نسل جدید از اهمیت بیشتری برای بازگشت برخوردار است.

فارل و ماهن (۲۰۱۲). در مقاله‌ای با عنوان روستاها به‌عنوان مقاصد بازگشتی مهاجران در ایرلند به این نتیجه می‌رسند که مهاجران بازگشتی به روستاها برخلاف رویکرد نئوکلاسیک نه به‌خاطر شکست در به‌دست آوردن منابع مالی بلکه در قالب رویکرد ساختاری و رویکرد جدید مهاجرت کار بوده و این مهاجرین با به‌دست آوردن سرمایه‌های مالی و اجتماعی و با ظرفیت‌های زیاد و توسط شبکه‌های اجتماعی به روستاها بازگشته‌اند و ارزشمند واقع شده‌اند. همچنین مهاجران بازگشتی تأثیر منفی اجتماعی بر نواحی روستایی نداشته و موجب بهبود وضعیت زندگی در روستاها شده‌اند.

هاس و فوکیما (۲۰۱۵). در پژوهشی تحت عنوان مهاجرت بازگشتی به‌عنوان شکست یا موفقیت (مطالعه‌ای بر روی مهاجران بازگشتی مراکشی از اروپا) بیان می‌کنند که مهاجران پس از بازگشت به سرمایه‌گذاری سرمایه‌های مالی خود پرداخته و هرچه زمینه‌های سرمایه‌گذاری بیشتر بوده مهاجرت بازگشتی نیز افزایش یافته‌است.

در مجموع مطالعه پیشینه نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و حتی ساختاری در مهاجرت بازگشتی مؤثر هستند.

۱- Sener

۲- Birara

چارچوب مفهومی مهاجرت بازگشتی

در بررسی‌های کیفی از چارچوب مفهومی استفاده می‌شود. چارچوب مفهومی در تحقیق حاضر مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی اجتماعی است. در پارادایم تفسیرگرایی اجتماعی به‌عنوان رویکرد اصلی در این مطالعه باور بر این است که با توجه به خلاق بودن ماهیت انسان، سیال بودن واقعیت اجتماعی و ساخته و معنادار شدن در فرآیند و درک تفسیر انسان‌ها از آن نمی‌توان مسیر و روش خاص برای درک واقعیات و یا ایجاد تغییر در آن‌ها پیشنهاد کرد (دنزین، و لینکلن، ۲۰۱۱؛ نیومن، ۲۰۰۷، نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۹۴).

اگرچه ردپای رویکردهای علمی مهاجرت معکوس را می‌توان در دهه ۱۹۶۰ یافت، تردیدی نیست که در دهه ۱۹۸۰ بود که بحث‌های علمی جدی میان متخصصان این رشته درباره مهاجرت معکوس و تأثیرات آن در گرفت. مهاجرت معکوس حیطه نسبتاً جدیدی در مهاجرت است که معنای استاندارد در سیاست و یا قوانین ملی یا بین‌المللی ندارد. از دیدگاه مدیریت مهاجرت، بازگشت‌ها معمولاً بدون توجه به موقعیت اجتماعی فرد در کشور مقصد در سه سطح رخ می‌دهند: الف) داوطلبانه و بدون اجبار ب) داوطلبانه و با اجبار ج) غیرداوطلبانه.

مهاجرت بازگشتی از مفاهیمی است که جایگاهش در مهاجرت‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. به همین سبب ایجاد ظرفیت برای بازگشت و جذب نیروی انسانی توانمند در اولویت کشورهای خواهان پیشرفت قرار دارد. مهاجرت بازگشتی، مهاجرت در جهت عکس است، و از اصطلاحات مختلفی همچون مهاجرت پشت سرهم، ضدجریان، مهاجرت مجدد، مهاجرت رفلکس، جریان بازگشت، مهاجرت بازگشت، معکوس، مهاجرت دوم و بازگشت استفاده شده است (بونکرک، ۲۰۱۲: به نقل از سلیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱۳). مهاجرت برگشتی فرآیندی است که بر اساس آن، افراد بعد از یک دوره‌ی اقامت طولانی‌مدت در سرزمین دیگر (مقصد) به سرزمین اولیه‌ی خود (مبدأ) باز می‌گردند (فیلیپس و پوتر، ۲۰۰۳: ۳). جریانی که در آن فرد یا افرادی که بنا به دلایل مختلفی، از سرزمینی که قبلاً به‌عنوان محل سکونت جدید خود انتخاب کرده‌اند، دوباره به مکان اولیه‌ی خود بازگردند (اکالی اکپرا و الیوی، ۲۰۰۱: ۵۵).

تداوم بازگشت نیز یکی از راه‌های اصلی طبقه‌بندی مهاجرت بازگشتی است. برای مثال، تسودا (۲۰۱۹: ۲۳۹) سه نوع بازگشت را از هم متمایز می‌کند: ۱- بازگشت به‌عنوان رویدادی که یکبار رخ می‌دهد و به مسیر مهاجرت پایان می‌دهد. ۲- بازگشت به‌عنوان رویدادی مکرر. ۳- بازگشت به‌عنوان بخشی از فرآیند مهاجرت مستمر. نوع‌شناسی دیگری که مهاجرت بازگشتی را براساس زمان سپری شده کشور خود طبقه‌بندی می‌کند، چهار نوع بازگشت را از هم متمایز می‌کند: ملاقات‌های گاه‌به‌گاه و

کوتاه‌مدت برای دیدن خویشاوندان و دوستان، بازگشت‌های فصلی، بازگشت‌های موقت با دوره زمانی طولانی‌تر و با قصد مهاجرت دوباره و در نهایت بازگشت‌های دائم شامل اسکان مجدد (کینگ^۱، ۲۰۰۰). احتمالاً افراتی‌ترین نوع بازگشت دائم بازگشت پس از مرگ است (ابولغود^۲، ۲۰۱۱؛ پاولی و بندورف^۳، ۲۰۱۸؛ استفانسون^۴، ۲۰۰۴: ۳).

تیپ‌شناسی سراسه^۵ (۱۹۷۴) نیز بر اساس موفقیت یا شکست تجربه مهاجرتی و نیز اثر بازگشت‌کننده‌ها بر جامعه خاستگاه، بازگشت را به چهار نوع تقسیم می‌کند:

بازگشت شکست: کسانی که در کشورهای میزبان ادغام نمی‌شوند، به‌خاطر تعصب‌ها و تبعیض‌ها و نقش نگرفتن در جامعه میزبان یا سازگاری با آن‌ها، اقدام به بازگشت می‌کنند.

بازگشت محافظه‌کارانه: کسانی که قبل از مهاجرت، قصد داشتند با پول کافی به خانه بازگردند و زمین بخرند و خود را از شر مالکان خلاص کنند. به‌خاطر همین آرزوها و راهبردها، این بازگشت‌کنندگان معمولاً فقط می‌خواهند نیازهای شخصی خود و بستگان‌شان را برآورده سازند و علاقه‌ای به تغییر بافت اجتماعی منطقه خاستگاه ندارند، بلکه آن را حفظ می‌کنند (سراسه، ۱۹۷۴: ۲۴۵).

بازگشت بازنشستگی: مهاجران بازنشسته‌ای که به کشورشان بازگشته‌اند، زمین و خانه‌ای می‌خرند و سالن‌خوردگی‌شان را در آن می‌گذارند.

بازگشت نوآورانه: پویاترین دسته بازگشت‌کنندگان در این دسته قرار دارند. کسانی که آماده‌اند از تمام ابزارها و مهارت‌های جدیدی که در طول تجربه مهاجرتی‌شان به‌دست آورده‌اند استفاده کنند تا به اهدافشان در کشور خاستگاه دست یابند. به‌نظر آن‌ها، بدین طریق فرصت‌های بیشتری برای برآوردن انتظاراتشان دارند. این اشخاص خود را نوآور تلقی می‌کنند چون با مهارت‌ها و سرمایه‌ای که دارند، سبب تغییر می‌شوند. با این حال به‌خاطر ساختار قدرتمند سنتی و وضعیت ثابت، نمی‌توانند در این کار موفق شوند.

بنابراین تیپ‌شناسی سراسه، درباره بازگشت‌کنندگان به‌طور واضح، تلاشی برای نشان دادن این است، که با در نظر گرفتن عوامل زمینه‌ای و موقعیتی در کشورهای مبدأ به‌عنوان زمینه‌ای برای تصمیم‌گیری برای بازگشت، این تجربه‌های بازگشت موفقیت‌آمیز یا ناموفق بوده است.

چند سال بعد، یک بررسی توسط «جی ملش»^۱ (۱۹۸۰) بر روی تیپ‌شناسی سراسه، صورت گرفت. این بررسی بر همبستگی میان نیت‌های مهاجران، برای بازگشت با انگیزه‌های آن‌ها برای بازگشت تأکید

۱- King

۲- Abu-Lughod

۳- Pauli and Bedorf

۴- Stefansson

۵- Cerase

می‌کرد. نیت‌ها و مقاصد برای بازگشت چه واقعی در نظر گرفته شده، انتظارات بازگشت‌کنندگان در کشورهای مبدأ را شکل می‌دهد. به نظر می‌رسد که بازگشت به وسیله فرصت‌هایی که مهاجران انتظار دارند در کشور مبدأ به دست می‌آورند و همچنین به وسیله فرصت‌هایی که در حال حاضر در کشورهای میزبان به آن‌ها داده شده است، هدایت می‌شود. بر اساس نظر جی‌ملش، از آنجایی که عوامل ساختاری و موقعیتی، تأثیری مهم بر تصمیم‌گیری در بازگشت مهاجران دارند، تصمیم به بازگشت، نمی‌تواند با برنامه‌ریزی درستی پیش رود. زیرا این عوامل موقعیتی (در مبدأ و مقصد) نیاز دارند که توسط مهاجران، شخصاً مورد بررسی قرار گیرند. با توجه به این واقعیت که برای آن‌ها جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای بازگشتی مطمئن و به دست آوردن آگاهی‌های بهتر درباره تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که در کشورهای مبدأ رخ داده است، بسیار دشوار است (کاسارینو^۲، ۲۰۰۴). در این رویکرد بازگشت تنها به تجربه فردی مهاجر وابسته نیست، بلکه به وضعیت نهادی و اجتماعی کشور مبدأ هم بستگی دارد.

کینگ (۱۹۸۶) دسته‌بندی خاص‌تری نسبت به آنچه جی‌ملش، در مورد بازگشتگان شکست‌خورده، ارائه می‌دهد. که در این دسته‌بندی تفاوتی بین شرایط کشور مبدأ، قبل و بعد از مهاجرت فرد قائل می‌شود، به طوری که در این میان، انگیزه اولیه فرد مهاجر برای مهاجرت دائمی دست‌خوش تغییر می‌شود. او سه دلیل مختلف برای بازگشت در نظر می‌گیرد: بازگشت اجباری: ۱- هنگامی رخ می‌دهد که فرد مهاجر شغل خود را از دست می‌دهد یا مشکلی برای خانواده اش در کشور مبدأ ایجاد می‌شود. ۲- نوستالژیک: که آن را بازگشت شکست‌خورده‌گان در نظر می‌گیرد. ۳- موقعیت بهتر در خانه؛ که در غیاب فرد مهاجر اتفاق می‌افتد (کینگ، ۱۹۸۶). جی‌ملش، مشاهدات مهمی درباره شرایطی که در آن انتظارات از کشور مبدأ در مواجهه فرد با کشور مبدأ (پس از بازگشت) برآورده نمی‌شوند، انجام داده است. بر طبق این مشاهدات، اگر موقعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در کشور مبدأ با انتظارات فرد مهاجر یکی نباشد، فرد در پیوستگی‌اش با کشور مبدأ دچار مشکل شده و ممکن است که این عدم پیوستگی منجر به تصمیم به مهاجرت دوباره او شود. چنین موقعیتی، پایداری بازگشت را مورد تردید قرار می‌دهد (کینگ، ۱۹۸۶، به نقل از مشفق، ۱۳۹۱: ۹۶-۹۵).

بورجاس و براتسبرگ^۳ (۱۹۶۶) در تبیین نظری تصمیم به مهاجرت بازگشتی به دو رویکرد اشاره کرده‌اند؛ در رویکرد اول، مهاجرت بازگشتی به‌عنوان بخشی از برنامه اقامتی مطلوب در طول چرخه زندگی است براساس این رویکرد برخی افراد برای چندسال مهاجرت می‌کنند و بعد از انباشت سرمایه انسانی یا ثروت به کشورشان برمی‌گردند. در مقابل، رویکرد دوم به این مبحث می‌پردازد که جریان

۱- Gmelech

۲- Cassarino

۳- Borjas and Bratsberg

مهاجرت بازگشتی ممکن است ناشی از اشتباهات مهاجران به هنگام تصمیم اولیه به مهاجرت باشد و ممکن است مهاجران از شرایط کشور میزبان شناخت و اطلاعی نداشته باشند (منبع پیشین، ۱۶۵). در ادبیات مهاجرت «مهاجرت بازگشتی» به‌طور مجزا در قالب نظریه بررسی نشده است و به نظریاتی که به‌طور کلی، به مهاجرت می‌پردازند، استفاده شده است. از جمله این نظریات می‌توان به رویکرد بحران منزلتی اشاره کرد این رویکرد یک رویکرد فرهنگی - اجتماعی به مقوله مهاجرت نخبگان است. تصمیم به مهاجرت در این رویکرد محصول نوع نگاه نخبگان به شأن و منزلت اجتماعی خود در جامعه است. در نظریه کارکردگرایان بر تبیین و دلایل و پیامدهای مهاجرت استوار است و کنشگران در یک نظام به نیازهایی باور دارند که در آن نظام نمی‌توانند آن‌ها را برآورده سازند، زیرا خصایص ساختن نظام‌های اجتماعی و کنشگران هرگز در طول زمان ایستا نیستند، از این رو ممکن است تحولات لازم برای کاهش ناهماهنگی بین احساس نیاز و امکان تسهیل آن در کنشگر یا در نظام یا در هر دو اتفاق بیفتند. درک ناهماهنگی بین خصایص فرد و نظام اجتماعی، منجر به مهاجرت شخص جهت کاهش ناهماهنگی‌های ساختی می‌شود (ربانی، ۱۳۹۰: ۱۴).

در کنار این نظریه جا دارد به «نظریه سرمایه انسانی لاری ساستاد» اشاره داشت که بیان می‌کند که فرد در صورتی مهاجرت می‌کند که فایده آن از هزینه‌اش بیشتر باشد و این فایده و هزینه می‌تواند تمام ابعاد زندگی را در برگیرد به‌گونه‌ای که حتی هزینه و فایده‌های متصوره را هم شامل می‌شود. بر این اساس، می‌توان ابعاد اجتماعی، اقتصادی و روحی روانی را نیز در آن لحاظ کرد. داشتن شغل، شرایط اجتماعی مطلوب، وضعیت روحی روانی مناسب، آرامش و تفریح و حتی پیوند و تعلق به آشنایان و خویشاوندان می‌تواند از علل مهاجرت واقع شود، فرد مهاجر به تدریج خود را با محیط جدید انطباق می‌دهد. همچنین در تجربه مهاجرت، با یکسری مسائل پیش‌بینی نشده روبرو می‌شود که در نهایت ارزیابی او را از مهاجرت تعدیل و تصحیح می‌کند و این امر در ماندگاری یا بازگشت مهاجر نقش برجسته‌ای دارد (زنجانی، ۱۳۸۰).

توجه و شناخت منابع در دسترس مهاجران بازگشتی می‌تواند جریان مهاجرت را آسان یا دشوار کند. این منابع علاوه بر سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی، شامل سرمایه‌های اجتماعی (شبکه) هم می‌باشد یکی از پیامدهای مثبت، توجه به سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی مفهومی جدید، پیچیده و مهم است که امروزه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رشد و توسعه در هر جامعه‌ای مطرح است؛ همچنین پیامدهای توسعه‌ای سرمایه اجتماعی در حوزه‌ها و سطوح مختلف مورد بحث قرار گرفته‌اند (فیروزآبادی و ایمانی، ۱۳۸۵).

سرمایه اجتماعی مجموعه منابع بالقوه‌ای است که با عضویت در شبکه‌های اجتماعی کنشگران و سازمان‌ها به‌وجود می‌آید. به‌عبارتی شامل روابط مبتنی بر اعتماد و بده‌بستان (معامله به مثل) در

شبکه‌های اجتماعی است (پوچین، ۲۰۰۶: ۱۵). استدلال سرمایه اجتماعی در ضعیف‌ترین و معمول‌ترین حالت آن این است که سرمایه اجتماعی منبعی است که کنشگران می‌توانند برای دستیابی به اهدافشان از آن استفاده کنند (فیلد، ۱۳۸۶: ۱۱۴).

پاتنام سرمایه اجتماعی را دربردارنده «خصایص یا مشخصات سازمان اجتماعی شامل شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی می‌داند که همکاری متقابل و هماهنگی در جهت منافع مشترک را تسهیل می‌کند» (پیران و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۲). به عبارت دیگر وی عناصر موجود در سرمایه اجتماعی را اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که به مثابه ذخایر سرمایه اجتماعی ضامن حسن اجرای خود هستند و انباشته می‌شوند. از این رو سرمایه اجتماعی یک منبع اخلاقی است که در صورت عدم استفاده نابود می‌شود (پاتنام، ۱۳۸۵: ۹۹). این سه عنصر، ویژگی‌هایی از زندگی و سازمان اجتماعی هستند که به مشارکت‌کنندگان امکان می‌دهند تا اهداف مشترک خود را به شیوه‌ای مؤثر پیگیری کنند (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۴-۵۵).

بنابراین در سال‌های اخیر توجه به نقش مهاجران برای توسعه مورد بررسی قرار گرفته و نقشی که آنان در توسعه کشور زادگاه و همچنین اجتماعات زادگاه خود می‌توانند داشته باشند حائز اهمیت شده است. شبکه‌های مهاجران که در شکل پایدار خود تبدیل به انجمن‌ها، نهادها و سازمان‌هایی می‌شود که این انجمن‌ها و سازمان‌ها بواسطه سرمایه اجتماعی مستتر در آن‌ها نسبت به وضع عمومی مهاجران و همچنین اجتماع زادگاه خود احساس مسئولیت کرده و عهده دار نقشی مهم در توسعه اجتماعی خود می‌شوند (از کیا و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴۹). از سوی دیگر در شرایطی که سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای وجود نداشته باشد یعنی توانایی‌های استفاده جمعی و توأم با همکاری از منابع برای وظایف عمومی وجود نداشته باشد، بعید است که تنها تأمین سرمایه مالی و افزایش سرمایه انسانی (از طریق آموزش) بتواند به نتایج مثبتی همچون رشد اقتصادی و کاهش فقر، یا مشارکت بیشتر و پاسخگویی نهادهای عمومی منجر شود (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۱۱-۱۰).

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی و در چارچوب مطالعات اکتشافی می‌باشد که در آن با استفاده از رویکرد نظریه داده بنیاد الگوی مفهومی ارائه می‌شود. نظریه داده بنیاد روش‌شناسی ویژه‌ای است که توسط گلاسر و اشتراس با هدف نظریه‌سازی از داده‌ها بر اساس بنیان‌های تفسیری - برساختی ایجاد و بسط داده شد. این روش از این جهت مناسب تشخیص داده شد که روشی استقرایی و اکتشافی است و به‌عنوان روشی راهگشا، با تجزیه و تحلیل متن به جزءها و مفهوم‌های دقیق، امکان تعریف یک فرضیه را فراهم می‌آورد (محمدپور، ۱۳۹۰: ۳۱۴). جامعه هدف تحقیق حاضر شامل: اساتید هیئت‌علمی

دانشگاه‌های دولتی شهر تهران شامل (تهران، علامه، شهید بهشتی، تربیت مدرس) در رشته‌های علوم انسانی، فنی مهندسی است که طی ده سال اخیر به ایران بازگشته‌اند. نکته شایان ذکر این است که اساتید هیئت علمی در این مطالعه به دودسته کلی تقسیم می‌شوند: الف) اساتیدی که بورس شده و با حمایت بودجه دولتی و دانشگاهی اقدام به مهاجرت نموده و ب) اساتیدی که بورسیه نبوده و با بودجه شخصی مهاجرت کرده‌اند. در این پژوهش، جامعه هدف مورد بررسی، گروه دوم می‌باشند که مطمئناً در جریان مهاجرت بازگشتی، اجبار و التزامی نداشته و بر مبنای تصمیم فردی خود، اقدام به بازگشتی نموده‌اند.

نمونه‌گیری در این پژوهش نیز نمونه‌گیری هدفمند (از نوع گلوله برفی) است که پژوهشگر سعی کرد با بهره‌گیری از نظرات و دانش آگاه‌ترین افراد درباره موضوع پژوهش به واکاوی و موشکافی رویداد و پدیده مورد نظر بپردازد. در این شیوه تعداد نمونه‌ها از پیش مشخص نیست و افزودن به آن‌ها تا مرحله رسیدن به اشباع نظری ادامه دارد. همچنین فرآیند جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از تکنیک مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته تا رسیدن به اشباع نظری ۳۰ نفر ادامه یافت.

در روش گراند تئوری، محقق پس از تبدیل داده‌ها به متن، سطر به سطر آن‌ها را مطالعه و کدگذاری انجام گرفت. حاصل این کار ایجاد مفاهیم^۱ و مقوله‌های^۲ متعدد در این تحقیق است. کدگذاری داده‌ها که برای انسجام، نظم و شرح نظریه به کار می‌روند طی سه مرحله انجام پذیرفت که عبارتند از: کدگذاری باز^۳، محوری^۴ و انتخابی^۵.

لازم به توضیح است به دلیل گستردگی مقولات محوری و مبنایی بر موضوع پژوهش، در این مقاله تنها به دو مقوله عوامل مداخله‌گر و پیامدی پرداخته شده و از توضیح مبسوط بسترها و زمینه‌ها در این مقاله صرف نظر شده است.

از جنبه‌ی باورپذیری پژوهش مزبور و انتقال‌پذیری به‌طور خاص جمع‌آوری یافته‌های کیفی و فرایند تحلیل و مصاحبه‌ها از آن رو که توسط تنی چند از متخصصان این حوزه و محققان حوزه‌ی مرتبط با موضوع پی گرفته شد، از اعتبار برخوردار است. در واقع به‌منظور اعتباریابی تحقیق و اطمینان از صحت کدگذاری و مقوله‌بندی‌ها علاوه بر اینکه از نظرات داوران صاحب تخصص در زمینه روش تحقیق کیفی از نظر اساتید و خبرگان جهت کنترل فرایند کدگذاری بهره گرفته شد، از طریق مراجعه و بازگشت به هر یک از شرکت‌کنندگان و پرسیدن نظر آن‌ها در مورد یافته‌ها و مقوله‌ها، نسبت به اعتبارسنجی یافته‌ها

۱- Concepts

۲- Categories

۳- Open coding

۴- Axial coding

u- Selective coding

اقدام شد. قابلیت انتقال از طریق مقارنه و مقایسه‌ی مستمر اطلاعات با اکتشاف دیگر محققان و سازه‌های مفهومی موجود در چارچوب مفهومی و نگارش یادداشت‌های فنی و توصیفات ژرف محقق شد. مشخصات اساتید مصاحبه شونده به شرح جدول ذیل است:

جدول شماره (۲): مشخصات مصاحبه‌شوندگان

مصاحبه‌شونده ^۱	جنسیت	سن	رشته	سال‌های اقامت در خارج از کشور
۱	مرد	۳۷	انسان‌شناس	۵ سال
۲	مرد	۴۶	انسان‌شناس	۸ سال
۳	مرد	۳۶	سنجش از راه دور	۲ سال
۴	زن	۴۹	الکترونیک	۶ سال
۵	مرد	۴۳	حقوق اقتصادی	۱۱ سال
۶	مرد	۴۱	نفت	۷ سال
۷	زن	۴۵	مددکاری اجتماعی	۵ سال
۸	مرد	۴۶	ریاضی	۹ سال
۹	مرد	۵۱	انسان‌شناس	۷ سال
۱۰	مرد	۴۵	جامعه‌شناس	۷ سال
۱۱	زن	۴۲	زبان آلمانی	۴ سال و نیم
۱۲	زن	۴۶	انسان‌شناس	۸ سال
۱۳	مرد	۴۰	برق	۲ سال
۱۴	مرد	۴۹	جامعه‌شناس	۶ سال
۱۵	مرد	۴۰	فانو الکترونیک	۶ سال
۱۶	مرد	۴۷	مطالعات جمعیتی	۳ سال
۱۷	زن	۴۱	آمار	۱ سال
۱۸	مرد	۴۹	مدیریت آموزشی	۷ سال
۱۹	مرد	۴۶	جامعه‌شناس	۳ سال
۲۰	مرد	۴۳	مهندسی پزشکی	۱ سال
۲۱	مرد	۵۲	علوم تربیتی	۷ سال
۲۲	مرد	۵۱	روانشناسی	۶ سال
۲۳	مرد	۳۹	جامعه‌شناسی	۳ سال
۲۴	مرد	۴۲	جمعیت‌شناسی	۲ سال
۲۵	مرد	۴۴	مهندسی پزشکی	۷ سال
۲۶	مرد	۳۸	زبان آلمانی	کمتر از ۱ سال (۹ ماه)
۲۷	مرد	۳۹	شیمی	۷ سال
۲۸	زن	۴۳	معماری	۳ سال
۲۹	مرد	۴۷	حقوق	۵ سال
۳۰	مرد	۴۹	روانشناسی	۴ سال

یافته‌ها

با تأمل بر مفاهیم استخراج‌شده در مرحله کدگذاری باز، در پاسخ به این سؤالات، تلاش گردید کدهای محوری مربوط به شرایط مداخله‌گر پدیده مهاجرت بازگشتی، تعیین گردید. تأمل در این خصوص حاکی از آن

۱- Interviewee

مطالعه عوامل مداخله‌گر و پیامدی مهاجرت بازگشتی اساتید دانشگاه‌های دولتی شهر تهران . . .

است که مصاحبه‌شوندگان، عوامل و شرایط مداخله‌گری را در بروز پدیده مهاجرت بازگشتی به کشور، اثرگذار عنوان نموده‌اند که عبارتند از: الف) عدم بنیه مالی^۱، ب) سیاست‌گذاری‌های حاکم^۲، ج) کنشگری رسانه‌ای^۳. بی‌شک هر یک از موارد مذکور، حکم مقوله اصلی را داشته و در برگیرنده زیرمقوله‌هایی به شرح جدول ذیل می‌باشند:

جدول شماره (۳): نتایج حاصل از کدگذاری باز و محوری مقوله‌های مرتبط با عوامل مداخله‌گر

کدگذاری باز	زیر مقوله	مقوله اصلی	مقوله محوری	بعد
LFS.	هزینه بالای تحصیل و زندگی در غرب	چالش‌های اقتصادی	عدم بنیه مالی (LFS)	عوامل
LFS.	کمبودهای معیشتی و رفاهی اساتید			مداخله‌گر
P.	سیاست‌های جذب هیئت علمی	سیاست‌گذاری‌های شغلی	سیاستگذاری‌ها (P)	مهاجرت
P.	تغییر در سیاست‌های مهاجرتی در غرب	سیاست‌گذاری‌های کلان مهاجرتی		بازگشتی
P.	سیاست‌های ناسیونالیستی حاکم بر اروپا			
MA	تبلیغ سبک زندگی اروپایی و آمریکایی	آگاهی از کنشگری رسانه‌ای	فعالیت رسانه‌ای (MA)	
MA.	آگاهی از فریب رسانه‌ای در مهاجرت آن‌ها			

اطلاعات جدول فوق مبین آن است که عوامل مداخله‌گری چون «عدم بنیه مالی» و نیز «سیاست‌گذاری‌های شغلی»، و «سیاست‌گذاری‌های کلان مهاجرتی» و «آگاهی از کنشگری رسانه‌ای» در مهاجرت بازگشتی اساتید اثرگذار بوده است؛ بدین ترتیب که مصاحبه‌شوندگان، عدم امکان تأمین هزینه‌های زندگی و تحصیل در غرب را از جمله عواملی عنوان نموده‌اند که آن‌ها را ترغیب به بازگشت به ایران نموده است. به طوری که اگر این هزینه‌های بالای زندگی ادامه داشته باشد و مهاجر نتواند به درآمد بالاتری که انتظار می‌رود دست یابد، مهاجرت بازگشتی صورت خواهد گرفت.

لازم به ذکر است، اساتید، اثرگذاری این عامل را خصوصاً در سال‌های اخیر و جهش قیمت دلار در مقایسه با ریال ایران، بسیار پررنگ ارزیابی نموده‌اند و ابراز داشته‌اند که پیش از مهاجرت، بر مبنای برنامه‌ریزی اقتصادی و تأمین مالی هزینه‌های زندگی و تحصیل در اروپا، سرمایه یا بهتر بگوییم منبع تأمین مالی‌ای را مدنظر داشتند، اما بالارفتن قیمت دلار و کاهش ارزش ریال در مقابل آن، برنامه‌ریزی‌های مالی و اقتصادی آن‌ها را بهم ریخته و سبب گردید، در میان راه، در تأمین هزینه‌ها باز بمانند، به طوری که اکثر اساتید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده بودند که در صورت عدم امکان جذب و اشتغال در سال نخست مهاجرت، به واسطه منابع مالی پیش‌بینی شده، با مشکل مالی مواجه نگردند، اما پیش‌بینی‌های آن‌ها درست پیش نرفته و با توجه به هزینه بالای اجاره خانه در غرب و به سبب عدم قدرت خرید و دیگر هزینه‌های زندگی و شهریه دانشگاه، در تأمین هزینه دچار مشکل گشتند. برای

۱- Lack of financial strength

۲- Policies

۳- Media activism

نمونه، بررسی مستندات مصاحبه‌ها در این خصوص گواه آن می‌باشد که ۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص بیان داشتند که گرانی دلار باعث شده که با افزایش هزینه‌ها کمتر به دیدار خانواده‌های خود بیایند و این به مسائل عاطفی ناشی از دوری از خانواده دامن می‌زند. و یا اینکه ۴ نفر بیان داشتند به علت نداشتن قدرت خرید از استانداردهای زندگی در غرب فاصله گرفتند و اظهار داشتند که هزینه‌های تحصیلی بالا در غرب، و نداشتن موقعیت شغلی باعث می‌شد که از جیب خرج و با کمک مستمر خانواده خرج کنیم و برای پرداخت کرایه ماشین، و یا خرید مثلاً یک غذای ساده، و یا تمدید ویزا در یک کشور ثالث، با توجه به نوسانات دلار باید هزینه زیادی و پرداخت می‌کردیم. این در حالی است که از نظر مهاجران بازگشتی اگر پول داشته باشی همه چی خوب پیش می‌ره ... و مجموعه این مشکلات منجر به این می‌شود که سازگاری و انطباق با جامعه مقصد طولانی و زمانبر شود. همچنانکه ۳ نفر بیان داشتند که اونجا مهم نیست که تو از چه نژاد و دینی هستی؟ و هر دین و آیینی که داشته باشی تو را می‌پذیرند فقط مهارت کاری (تکنسین) برایشان مهم است، و اکثر ماها مثلاً مهارت نجاری و تعمیرات ماشین که بلد نبودیم این می‌توانست جانشین خوبی برای نیروی کار محلی باشند در صورتیکه ما با تحصیل دانشگاهی مهارتی نمی‌آموزیم. در کشورهای غربی تحصیلات خارجی‌ها رو خیلی قبول ندارند و ورود مهاجران به کشورهای غربی باعث افزایش نیروی کار می‌شود، و همین مسأله باعث می‌شود که دستمزدها کاهش پیدا کند. البته تعدادی نیز به سراب بودن کشورهای غربی و تبلیغات رسانه‌ای در مهاجرت آن‌ها اشاره داشتند و بیان داشتند که در واقعیت به لحاظ سبک زندگی و تفاوت‌های فرهنگی مشکلات زیادی داشتند و تصمیم بر مهاجرت برگشتی داشتند. با تأمل بر پاسخ‌های ارائه شده، در مرحله کدگذاری باز، تلاش گردید کدهای محوری مربوط به مؤلفه‌های این پدیده، تعیین گردید. حاصل این تلاش‌ها، دستیابی به مقولات ذیل است: الف) چپستی^۱ ب) مؤلفه‌ها^۲.

با تمرکز بر محتوای جدول فوق، مهاجرت بازگشتی؛ بازگشت مهاجرین به موطن اصلی خود برای زندگی به دلایل گوناگون، که مهم‌ترین آن توسعه زیرساخت‌ها و امکانات زیربنایی برای فعالیت‌های اقتصادی و رشد و پیشرفت فرهنگی و سیاسی در منطقه مهاجرفرست می‌باشد، منجر به بروز پدیده مهاجرت معکوس می‌شود.

به طوری که لازمه رسیدن به جامعه مطلوب را رسیدن به رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همه‌جانبه در کشور مبدأ می‌دانند که زمینه انتقال دانش و فناوری به داخل کشور را فراهم می‌کند. مهاجران بازگشته به عنوان عوامل تغییر و توسعه معرفی می‌شوند. مهاجرت از نگاه آن‌ها پدیده‌ای چندبعدی است که علت‌های آن از نتایجش جداپذیر نیست. در واقع مهاجرت بازگشتی به طور عمده

۱- Essence

۲- Components

مطالعه عوامل مداخله‌گر و پیامدی مهاجرت بازگشتی اساتید دانشگاه‌های دولتی شهر تهران ...

پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی است یعنی پدیده پیچیده‌ای است که در پاسخ به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و تحولات فرهنگی است.

با تدقیق بر مفاهیم استخراج شده در مرحله کدگذاری باز در پاسخ به این سؤال، کدهای محوری مربوط به پیامدهای این پدیده، مشخص گردید. تأمل در این خصوص حاکی از آن است که مصاحبه‌شوندگان، پیامدهای ذیل را برای پدیده مهاجرت بازگشتی اساتید به کشور، شناسایی نموده‌اند: الف) پیامدهای اقتصادی^۱ ب) پیامدهای فرهنگی^۲ ج) پیامدهای اجتماعی^۳ د) پیامدهای روانشناختی^۴.

جدول شماره (۴): نتایج حاصل از کدگذاری محوری مقوله‌های مرتبط با پدیده محوری

کد	زیر مقوله	مقوله	ابعاد محوری	
E.	پدیده‌های اجتماعی	چستی (E)	پدیده محوری مهاجرت بازگشتی اساتید	
E.	پدیده‌های خودجوش			
E.	پایان یک دوره اقامت طولانی مدت در سرزمین دیگر			
E.	بازگشت به سرزمین اولیه (مبدأ)			
E.	مبتنی بر کنشگری اساتید			
C.	مبتنی بر مهاجرت بین المللی	مؤلفه‌ها (C)		
C.	مبتنی بر تمایلات شخصی			
C.	مبتنی بر عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر			
C.	واکنشی نسبت به جداییت مبدأ			
C.	واکنشی نسبت به دافعه‌های مقصد			
EC _۱	اشتغال در فضای علمی و دانشگاهی	پیامدهای اقتصادی (EC)		
EC _۲	رضایت شغلی بیشتر به نسبت زندگی در خارج از کشور			
EC _۳	بهبود سطح زندگی و رفاه اقتصادی			
EC _۴	انتقال سرمایه انسانی به کشور			
EC _۵	تسهیل انتقال فناوری			
EC _۶	بستر سازی جهت توسعه همه‌جانبه کشور	پیامدهای فرهنگی (CC)		
CC _۱	اعتلای سطح علمی و فرهنگی کشور			
CC _۲	انتقال تجربیات علمی و تخصصی			
SC _۱	ایجاد تحولات اجتماعی مثبت توسط مهاجران بازگشتی			پیامدهای مهاجرت بازگشتی اساتید
SC _۲	توزیع روحیه امید به جوانان			
	نبود فرصت‌های شغلی			
	عدم دسترسی به منابع جدید			
	به روز نبودن علم در کشور			
SC.	کمبود امکانات آموزشی	پیامدهای اجتماعی (SC)		
	احساس نارضایتی (عدم رضایت از شرایط موجود)			
	سیاست‌های جذب هیأت علمی			
	عدم شایسته‌سالاری در کشور			
	نابرابری میان زنان و مردان			
PC.	عدم حمایت از اساتید	پیامدهای روانشناختی (PC)		
	محدودیت و عدم گستردگی کاری و تحقیقاتی			
	معیارهای پیچیده گزینش اساتید			
	رواج بی اخلاقی			
PC.	کاهش احترام اجتماعی			

۱- Economic consequences

۲- Cultural consequences

۳- Social consequences

۴- Psychological consequences

احساس افسردگی	کاسته شدن از منزلت تحصیل و تحصیل کرده در جامعه
	افول احساس خوشبختی در جامعه
	برخوردهای نامحترمانه
	زندگی توأم با عدم آرامش در کشور

یافته‌های حاصل از متون مصاحبه‌های انجام شده که در قالب جدول فوق به نمایش در آمده است، ما را بدین یافته رهنمون می‌کند که مهاجرت بازگشتی اساتید به کشور، پیامدها و آثاری در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در پی خواهد داشت که کوتاه‌مدت یا بلندمدت بوده و دارای ابعاد منفی و مثبت می‌باشد مهاجرینی که خود را کنشگران تحول دانسته تا جامعه خود را دگرگون نمایند. اساتید قادرند علم، فناوری و صنعت جدید و به تبع آن فرصت‌های شغلی جدید برای جامعه خویش ایجاد کنند. اینکه مردم در زندگی روزمره خود تأثیر دانش را ببینند به طوری که هر روز یک خدمت جدید و کارآمد دریافت کنند.

بدین ترتیب که اساتید مهاجر به دلیل کارآمدی و مهارت بالا، می‌تواند باعث بهره‌وری در داخل کشور شوند، پیرو مصاحبه‌های انجام شده پیرامون پیامدهای اقتصادی و فرهنگی، عضو هیات علمی شماره ۱۶ می‌گوید: «باعث رونق بخشیدن به فضای باز دانشگاهی شدم، و بیشترین اثرگذاری و در حیطه تخصصی خودم در محیط دانشگاه دارم، چیزهایی که یاد گرفته بودم به دانشجویانم یاد دادم و عشق به اینکه شاید بتوانم کاری برای کشورم انجام دهم به ایران بازگشتم، همچنانکه در آموزش و پژوهش کشورم نیز تأثیرگذار باشم، به این فکر می‌کردم که برای خیلی از دانشجویان در ایران ممکن است هیچ وقت این فرصت (مهاجرت) ایجاد نشود تا با جدیدترین ایده‌ها و یافته‌ها آشنا بشن». یکی دیگر از اساتید (۱۳) بیان نمود: «بازگشت ما باعث برقراری ارتباط و دعوت از متخصصان سایر کشورها در داخل می‌شود تا دانشجویان با تازه‌ترین یافته آشنا شوند، تمایل به سرمایه‌گذاری در صنعت و راه‌اندازی استارت‌آپ و دارم تا از این طریق شغل ایجاد کنم و همیشه دغدغه توسعه کشورم و داشتم به این دلیل که سعادت فردی من در گرو سعادت جمعی است».

هر چند بازگشت داوطلبانه راه‌حل پایدار برای مهاجرین بازگشتی به‌شمار می‌رود، اما این در حالی است که شرایط زندگی در کشور مبدأ مهیا شود و بازگشت با حفظ امنیت و کرامت برای آنان میسر باشد. در غیر این صورت، امکان مهاجرت مجدد اساتید به کشورهای دیگر وجود دارد بنابراین، کم توجهی به این امر مهم پیامدهای نامطلوبی در پی خواهد داشت و یکی از این پیامدها می‌تواند احساس نارضایتی از شرایط موجود با توجه به مهیا نبودن شرایط در کشور مبدأ باشد.

دیگر یافته‌های حاصل از متون مصاحبه‌های انجام شده که در قالب جدول فوق به نمایش در آمده است نشان می‌دهد که مهاجرین بازگشتی مدام جاذبه و دافعه‌های کشور مبدأ و مقصد را با هم مقایسه کرده تا بتوانند مهارت و تجربیات ارزشمند خود را به جامعه مبدأ عرضه کنند. به طوری که در مصاحبه‌ها

(شماره ۳) این چنین بیان می‌کنند که: «فرآیند جذب هیات علمی در ایران دو سال طول می‌کشد تا از صلاحیت چندلایه به لحاظ علمی، تحقیقاتی وزارت علوم، دانشگاه و حتی تا مکانی که می‌خواهی بروی رد بشی». مشارکت‌کننده (شماره ۲۰) می‌گوید «همه به من می‌گویند که این همه درس خوندی ولی درآمدت این هستش؟ بعضی مواقع خانواده خواسته‌هایی از من دارند که جوابگو نیستم. این خیلی زشته برای یک نفر که جایگاه علمی داره که سال‌ها درس خونده و هیأت علمی شده است، وظیفه اصلی من آموزش است ولی وقتی می‌بینم آخر ما این حقوق جوابگوی زندگی من نیست؛ مجبور میشی به دنبال کسب درآمد در جاهای دیگه بشی . . . این خودش ناراحت‌کننده است و باعث کاهش انگیزه می‌شه». مشارکت‌کننده دیگری (شماره ۸) در همین راستا به این موضوع اشاره کرد که «فرآیند شغل‌یابی و کسب و کار پیدا کردن اینجا سخته و خیلی پیچیده و غیرمستقیم است». و یا دیگر مشارکت‌کننده (شماره ۲۱) بیان می‌کند: «اگر کسی شایسته باشد کاری می‌کنیم که اینقدر ضربه بخوره که از کشور خارج شود و بیان داشتند که کار باید به دست افراد شایسته و کاربلد باشد که تجربه کاری دارند، چند تا کشور رو دیده باشند و زبان بلد باشند». پاسخگوی شماره (۱۳) اذعان دارد که «محیط کاری اینجا با محیط آکادمیک خیلی فاصله دارد، واقعاً تبعیض‌های جنسیتی وجود دارد و در کار آدم تأثیر می‌گذارد چه مستقیم و چه غیرمستقیم. شرایط برابر به‌طور مساوی برای رشد خانم‌ها و آقایان در اینجا وجود نداره؛ تجربه من این است که یک خانم اگر بخواهد در دانشگاه خوب کار کند اینقدر باید بی‌نقص کار کند تا شاید بتونه در دانشگاه به رشد یک آقا برسه». مشارکت‌کننده (شماره ۹) بیان می‌کند: «از برخوردار نبودن زندگی مطلوب، اجتماعی و علمی مناسب در رنج‌اند، دانشگاه‌ها از اهدافی چون گسترش مرزهای دانش و انتقال کارایی فنی فاصله دارند و اثرات علمی، افکار و اندیشه‌ها در جامعه آن‌طوری که انتظار می‌رود مورد تکریم قرار نمی‌گیرد».

احساس افسردگی، دیگر پیامد روانشناختی منفی مهاجرین بازگشتی می‌باشد که از سوی اساتید شناسایی و عمدتاً تجربه گردیده است. اساتیدی که سال‌ها در غرب زندگی کرده و با شرایط فرهنگی و اجتماعی آنجا تطابق پیدا نموده‌اند، پس از بازگشت و مواجه شدن با شرایط متفاوت فرهنگی و اجتماعی در کشور، دچار تعارض و تضاد گردیده و انطباق با شرایط حاکم بر جامعه برایشان سخت می‌باشد، خصوصاً شرایط فرهنگی ایرانیان در ارتباطات اجتماعی؛ چرا که اساتید از رواج بی‌اخلاقی در فضای علمی، کاسته شدن از منزلت تحصیل و افراد تحصیل کرده در جامعه، برخوردهای نامحترمانه در سازمان‌های دولتی و . . . آزرده شده، در کنار این آزرده‌گی شخصی، شاهد زندگی توأم با عدم آرامش در کشور و افول احساس خوشبختی در جامعه می‌باشند، مجموع این نامطلوبی‌ها و آزرده‌گی‌ها، احساس افسردگی روحی و روانی را در اساتید در پی داشته است. امنیت موضوع محوری از سوی اساتید در نظر گرفته شده است.

کدگذاری انتخابی (گزینشی) شرایط مداخله‌گر

تدقیق در کدهای محوری احصاء شده در خصوص شرایط مداخله‌گر پدیده مهاجرت بازگشتی حاکی از آن است که کدهای محوری «عدم بنیه مالی» و «سیاست‌گذاری‌های حاکم» اشاره به اثرگذاری عوامل مداخله‌ای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارد که بر تأثیرگذاری عوامل علی و زمینه‌ای را دخیل می‌باشد. بر این مبنا می‌توان کد انتخابی (گزینشی) برای این سازه را «عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» عنوان نمود که به صورت زیر نشان داده شده است:



مقوله واحد و نهایی ارائه شده که با تأمل بر مقوله‌های محوری «عدم بنیه مالی» و «سیاست‌گذاری‌های حاکم» احصاء شده است، اشاره آن دارد که هر چند مهاجرت بازگشتی، پدیده‌ای اجتماعی قلمداد می‌گردد اما عوامل اقتصادی و سیاسی نیز در بروز این پدیده دخیل می‌باشند.



مقوله واحد و نهایی ارائه شده که با تأمل بر مقوله‌های محوری «چیستی» و «مؤلفه‌ها»، احصاء شده است، اشاره به آن دارد که مهاجرت بازگشتی اساتید، پدیده‌ای ناشی از کنش فردی، در عین حال زمینه‌ها، بسترهای، پیامدها و آثاری اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فردی و فرهنگی دارد؛ لذا مقوله هسته‌ای در این خصوص را می‌توان «درهم‌تنیدگی عوامل و آثار فردی - ساختاری» تحلیل و تفسیر نمود.

با تأمل در کدهای محوری در خصوص پیامدها مهاجرت بازگشتی، کدی انتخابی به شرح ذیل ارائه می‌گردد. هسته مرکزی مقاله حاضر کنشگری و ارتباط بین عملکرد و ساختار است. یعنی روابط دیالکتیکی عملکرد و ساختار، است. با توجه به تشریح روابط کنش‌گران در تشکیل سرمایه اجتماعی، به روشنی در می‌یابیم که سرمایه اجتماعی در اصل توانایی گسترش کنش‌هاست و یا به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی، کنش را از حالت ایستا در آورده و تبدیل به جریان می‌کند. سرمایه اجتماعی منبع کنش جمعی

مطالعه عوامل مداخله‌گر و پیامدی مهاجرت بازگشتی اساتید دانشگاه‌های دولتی شهر تهران . . .

است و امروزه در جریان توسعه یک کشور در کنار انواع سرمایه (اعم از طبیعی، انسانی و مادی) سرمایه اجتماعی هم به‌عنوان برون‌داد و هم درون‌داد توسعه به‌شمار می‌آید؛ سرمایه اجتماعی خود حاصل شرکت در یک کنش مشارکت‌آمیز و مبتنی بر اعتماد است و جریان آزاد اطلاعات را درون یک گروه، سازمان یا جامعه تسهیل می‌کند، بدون آنکه خود یک کنش باشد.

کدگذاری انتخابی پیامدها

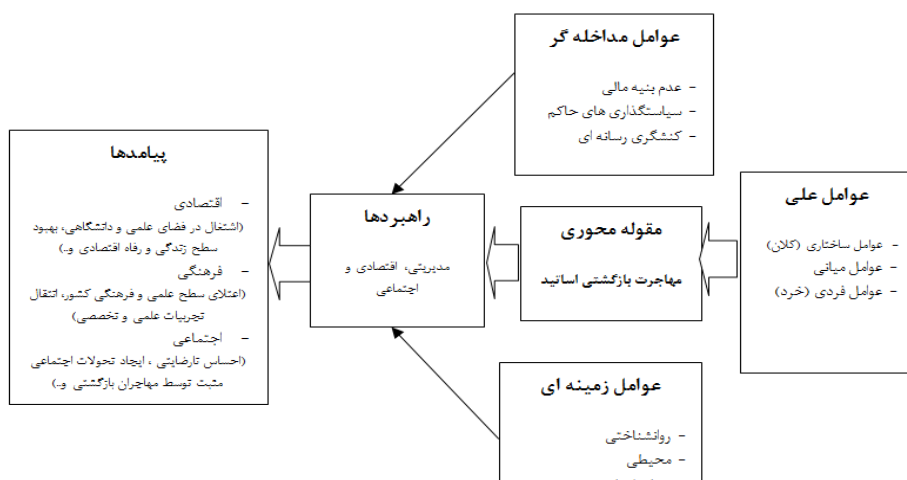
با تأمل در کدهای محوری احصاء شده در خصوص پیامدها مهاجرت بازگشتی، کد انتخابی ذیل ارائه می‌گردد:



مقوله واحد و نهایی ارائه شده که با تأمل بر مقوله‌های محوری «پیامدهای اقتصادی»، «پیامدهای فرهنگی»، «پیامدهای اجتماعی» و «پیامدهای روانشناختی» احصاء شده است، اشاره به پیامدهای خرد و کلان پدیده مهاجرت بازگشتی با ابعاد فردی و اجتماعی دارد.

و اما، بر مبنای مقوله‌ی هسته که نشان‌دهنده‌ی مضمون اصلی پژوهش و انتزاع‌شده از سایر مقوله‌های عمده‌ی پژوهش است، می‌توان با در نظر گرفتن مفاهیم و مقوله‌های محوری تحقیق و در نظر گرفتن نظریه‌های جامعه‌شناختی موجود اذعان نمود که مقوله‌ی هسته را می‌توان «توأمان بودن پیامدهای مثبت و منفی در ابعاد فردی و اجتماعی» تحلیل و تفسیر نمود.

مدل برآوردی تحقیق



تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال نوزدهم، شماره هفتاد و دوم، بهار ۱۴۰۱

(منبع: یافته‌های تحقیق)



بحث و نتیجه‌گیری

یکی از عواملی که امروزه نقش پراهمیت و بسزایی در رشد و توسعه هر جامعه دارد منابع انسانی آن جامعه می‌باشد. با توجه به مباحث مطرح شده بخش قابل توجهی از مهاجران از ایران مشتمل بر نیروی کار متخصص و تحصیل کرده است. همچنانکه مهاجرت تحصیل‌کردگان و متخصصین، کشور را به سمت توسعه‌نیافتگی سوق می‌دهد و شکاف آن را با کشورهای توسعه‌یافته عمیق‌تر می‌کند. طبق تئوری جاذبه و دافعه، اساتید با آگاهی یافتن از عوامل دافعه مبدأ و جاذبه مقصد دست به مهاجرت می‌زنند. به‌طور کلی می‌توان بیان کرد که جریان مهاجرت بازگشتی، یک فرآیند پیچیده است که با کنشگری اساتید؛ تغییر در رفتار و نگرش مهاجران بازگشتی همراه خواهد بود. با توجه به یافته‌های تحقیق در حوزه عوامل مداخله‌گر از جمله «ضعف تمکن مالی»، «هزینه بالای تحصیل و زندگی در غرب» از مهم‌ترین چالش‌های مهاجرین بازگشتی است. عدم ادغام در بازار کار و تغییر در سیاست‌گذاری پس از ورود به بستر اجتماعی جامعه جدید چالش‌هایی را برای تأمین رفاهی و شغلی اساتید ایجاد می‌کند، به‌طوری‌که با مشکلاتی از جمله شهروندی درجه دوم، ناآگاهی نسبت به حقوق خود و دستمزدهای پایین روبرو هستند و این مسأله موجب خواهد شد اساتید دانشگاه‌ها دورنمای مطلوبی برای خود نداشته باشند؛ زیرا که حق تابعیت و شهروندی یکی از مهم‌ترین احساس‌ها تعلق افراد به جامعه جدید است که موجب ایجاد و تقویت احساس «تعلق مدنی و فرهنگی» به جامعه میزبان می‌شود. طبق الگوهای ادغام و سازگاری مهاجران در کشور مقصد و مطابق با نظریه «نتوکلاسیک» مهاجرت بازگشتی نتیجه شکست در فرآیند ادغام در جامعه مقصد است (دی هاس و همکاران، ۲۰۰۹). پس چالش‌های اقتصادی، سیاست‌گذاری‌های حاکم، فعالیت‌های رسانه‌ای، از عوامل میانجی و مداخله‌گری هستند که باعث بازگشت اساتید دانشگاه‌ها به ایران هستند، به‌طوری‌که هرگاه نیروی کار فراتر و بیشتر از سرمایه باشد، اثر معکوس آن در دستمزدها انعکاس خواهد یافت. انتظار به‌دست آمدن موقعیت بهتر برای اشتغال شخص مهاجر، محرک اساسی مهاجرت می‌باشد، اگر مهاجرین در داخل گروه‌های مهارتی جانشینی ناقص باشند در این صورت افزایش عرضه نیروی کار در اثر مهاجرت، ابتدا مهاجرینی را که از قبل در کشور میزبان اقامت دارند متأثر خواهد کرد. این یافته بیانگر این نکته است که اساتید از نظر شاخص‌های ذهنی - عینی در رفاه نبودند و نتوانستند به منزلت و جایگاه واقعی و در خور شأنشان دست پیدا کنند، به همین دلیل تصمیم به بازگشت گرفتند.

بنابراین چالش و موانع ذکر شده و نبود سرمایه اقتصادی منجر به این شده که ادغام اساتید دانشگاه‌ها در «ساخت اجتماعی» کند صورت بگیرد. جمع‌گرایان استدلال می‌کنند که فرد نمی‌تواند موقعیت خود را بدون ارجاع به نقش خود به‌عنوان شهروند/ و مشارکت‌کننده در زندگی اجتماعی درک کند و چارچوب‌ها سیاسی - اجتماعی را بدون ارجاع به منافع و اهداف مشترک توجیه نماید. حتی خود

(self) در بخشی از طریق پیوندهای افراد با یکدیگر شکل گرفته و این روابط نباید به مثابه ابزاری برای یک هدف فردگرایانه در نظر گرفته شود پس هر هویتی به واسطه برقراری روابط با دیگران جمعی توسعه یافته و برخی از پیوندها نیز شکل وفاداری و تعهد در مقابل اجتماعی را به خود می‌گیرند.

دیگر پیامد مثبت مهاجرت بازگشتی به ساختار مهارتی مهاجرین بازگشتی ارتباط دارد این نتیجه متضمن این پیام است. که نیروی انسانی متخصص و مجهز به دانش، مهارت و توانایی حرفه‌ای و اخلاقی نیازمند جامعه‌پذیری، مشارکت، نقش‌آفرینی و توجه جدی در کلیه عرصه‌های جامعه است. در صورتی که طبق یافته‌های به دست آمده اساتید دانشگاه‌ها به دلیل احساس نارضایتی، نبود فرصت‌های شغلی، عدم دسترسی به منابع جدید، سیاست‌های جذب هیات علمی، عدم شایسته‌سالاری، به‌روز نبودن علم در کشور، افول سرمایه اجتماعی، نابرابری میان زنان و مردان خود را به نفع جامعه به کار نمی‌گیرند. یعنی در شرایطی که اساتید از نظر اقتصادی از جمله حقوق و دستمزد، و سرمایه اجتماعی . . . به ایده‌آل - های خود دست نیابند و تصورشان بر این است که نبود معیارهای جذب هیات علمی، تبعیض و نابرابری جنسیتی در سطح جامعه تشدید شده است، از این منظر ارزش و بهای سطح نخبگی و مهارتی آن‌ها در جامعه بی‌معنا است؛ دیدگاه اساتید دانشگاه‌ها این است با توجه به شرایط فوق‌الذکر، شرایط جامعه برای ماندن مهیا نیست بنابراین ضعف بسترهای اقتصادی، جامعه‌پذیری، مدیریتی و علمی کشور و خاصه نبود زیرسازهای امنیت شغلی مناسب برای نخبگان باعث می‌شود تا تصمیم‌گیری برای خروج از کشور و شکل‌گیری زمینه‌های بازگشت مجدد تقویت شود، بنابراین این فاصله‌گیری از کار پژوهشی و آموزشی ممکن است با تبعیت از نوعی فرمالیسم در محیط کار همراه باشد و فرد فقط صورت‌های علمی و آموزشی را رعایت کرده و چندان به محتواها و جوهره فعالیت‌ها توجهی نداشته و مهاجرت مجازی و عاطفی ممکن است مقدمه‌ای بر مهاجرت شغلی یا مهاجرت جغرافیایی باشد (قانعی راد، ۱۳۹۸).

دیگر پیامد پس از بازگشت مهاجرین؛ پیامد روانشناختی از جمله «احساس سرخوردگی و پشیمانی، افسردگی» است. در واقع به هر میزانی که شرایط از نظر برخوردهای نامحترمانه، افول احساس خوشبختی در جامعه، عدم ارج و قرب، شرایط زندگی در خورد شأن، تأثیرگذاری و مشارکت در تصمیم‌گیری، در حاشیه بودن، رواج بی‌اخلاقی، در سطح نامناسبی باشد؛ قاعدتاً وضعیت نامطلوبی را ایجاد کرده و چنین امری نتیجه‌ی معکوس روی تمایل و نگرش اساتید دانشگاه‌ها برای بازگشت مجدد از ایران را به همراه دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد پیامدهای روانشناختی و اجتماعی یکی دیگر از موانع جدی در مدیریت علمی و بهره‌گیری از نیروهای فکری و علمی جامعه و تمایل بازگشت تحصیل‌کردگان به کشور مقصد است. وجود مشکلات و پیامدهای منفی باعث می‌شود که اساتید دانشگاه‌ها به این نتیجه برسند که فضای دانشگاهی و اجتماعی جامعه برای همکنشی اجتماعی مهیا نیست، و کنش اساتید با انسداد و به نوعی بن‌بست مواجه است، بنابراین تصمیم‌گیری آن‌ها به سمت خروج و مهاجرت مجدد متمایل می‌شود بدین

معنی که اگر کنش اجتماعی و کنشگری نباشد، هیچ یک از ارزش‌های اجتماعی مانند امنیت، خوشبختی، عدالت و آزادی محقق نخواهد شد.

بنابراین چنانچه بازسازی در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی اتفاق نیفتد و بسترهای مناسب از سوی دولت فراهم نگردد بازگشت تجربه‌ای شکست خورده باقی خواهد ماند و فرد به فکر مهاجرت دوباره خواهد بود و اگر افرادی که در خارج تحصیل کرده‌اند آینده خود را پس از بازگشت نامطمئن و ناامن تلقی کنند به کشورشان باز نمی‌گردند. به همین منظور برنامه‌ریزی بهتر و دقیق‌تر برای نیروی انسانی و هماهنگی بیشتر میان بخش‌های آموزشی و اقتصادی و اجتماعی می‌تواند تعادل میان تحصیل‌کردگان و نیازها را افزایش دهد. افزون بر این چنانچه رویکرد سیاستی منسجمی برای کنترل و مدیریت پدیده مهاجرت بازگشتی توسط نظام حکمرانی و جامعه (فرستنده و گیرنده) وجود نداشته باشد، مهاجرت ورودی و خروجی هر دو تبدیل به بحران و چالش اساسی برای کشور خواهد شد و چنانچه پیاده‌سازی سیاست‌های هدف‌گذاری شده در کشور به درستی صورت گیرد، امکان گذار ایران از یک کشور بازنده به یک کشور برنامه محور وجود دارد. اما در صورتی که توجه کافی به اجرای برنامه‌های در دستور کار مبذول نگردد نه تنها پیشرفتی صورت نخواهد گرفت، بلکه با پسرقت درزمره‌ی کشورهای بازنده قرار خواهد گرفت.

راهکارهای لازم جهت بازگشت اساتید به کشور مبدأ:

- فرآیند بازگشت اساتید هیات علمی دانشگاه‌ها بایستی به‌عنوان یک فرآیند «فراملی» در نظر گرفته شود بدین معنی که نگاه درازمدت به پدیده مهاجرت بازگشتی بر مبنای منافع ملی مدیریت شود تا سرمایه‌های انسانی بر اثر رویکردهای مقطعی و موقتی در حوزه مهاجرت به هدر نروند.
- استفاده از سرمایه‌های مهاجران به‌عنوان سکوی رشد ملی و اعتبار بین‌المللی است که در قالب سیاست‌های مدون تنظیم‌کننده در داخل کشور و همچنین تدوین سیاست‌های جذب نیروهای متخصص بر مبنای نیاز بازار و جامعه نمود یافته است.
- تلاش همه‌جانبه به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق رسانه‌های جمعی، نظام آموزشی (مدارس) و سیاست‌های عمومی، در شکل دهی به تصویر مثبت، بشردوستانه مؤثر در جهت معرفی ایران به دنیا بر اساس نیازها و منافع ملی.
- تغییر و بازنگری در ملاک‌های گزینش و جذب اعضای هیئت‌علمی (اجرای درست و بدون تبعیض قوانین؛ ضابطه‌مندی در استخدام‌ها، عدم اعطای مجوز غیرقانونی در بورسیه‌های تحصیلی).
- تقویت همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی پیرامون موضوع پدیده مهاجرت بازگشتی.

- برنامه‌ریزی دقیق و بلند مدت در حوزه مهاجرت، اختیار کامل تصمیم‌گیری در این حوزه را برعهده دارد و چنانچه سیاست‌گذاری در عرصه مهاجرت به صورت متمرکز و ساختارمند انجام شود نقش کنترلی و اجرایی نهادهای بین‌المللی کاهش خواهد یافت.

- یکی از سیاست‌تشیویی برای بازگشت اساتید هیات علمی طرح تسهیل صدور مجوز برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای نوپاست. صندوق‌های سرمایه‌گذاری می‌توانند برای حمایت از فعالیت‌های کارآفرینی مهاجران نخبه بازگشتی، ایجاد شود. افزایش فرصت‌های کارآفرینی در کشور علاوه بر اینکه بازگشت مهاجرین را افزایش خواهد داد، خروج متخصصین را نیز به شدت کاهش خواهد داد و می‌تواند ایجاد شبکه اجتماعی و تجاری را تسهیل کند.

- جذب نیروی انسانی تحصیل کرده و به‌کارگیری بسیج منابع در بخش‌های مختلف چهارگانه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی برای بازگشت مهاجرین (توجه هماهنگ محققان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان به پدیده مهاجرت بازگشتی). پس تغییر رویکرد سیاست‌گذاران مهاجرتی در کشور می‌تواند در جهت دستیابی حداکثری به منافع ملی صورت پذیرد و سیاست بازگشت و مشارکت مهاجران متخصص در توسعه کشور در دستور کار سیاست‌گذاران قرار گیرد.

تغییر در قوانین تحصیلی به‌ویژه قوانینی که راه ورود بخشی از تحصیل‌کردگان به مراکز آموزش عالی را دشوار می‌سازد (تبعیض در ورود به رشته‌های مختلف).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعه عوامل مداخله‌گر و پیامدی مهاجرت بازگشتی اساتید دانشگاه‌های دولتی شهر تهران ...

منابع

- الموتی، مسعود. (۱۳۸۳)، جهانی‌شدن و مهاجرت نخبگان، بررسی تجربه ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره پانزدهم، صص، ۳۵۲-۳۱۷.
- خاوری‌نژاد، سعید. (۱۳۹۳)، اقتصاد سیاسی مهاجرت نخبگان ایران، انتشارات دنیای اقتصاد، چاپ اول.
- سالنامه مهاجرتی ایران. (۱۳۹۹)، رصدخانه مهاجرت ایران (پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف)، تهران، ناشر: معاونت علمی و فناوری، مرکز ارتباطات و اطلاع‌رسانی، دانش‌بینان فناوری.
- سعیدی، سعیده. (۱۳۹۸)، مهاجرت بازگشتی متخصصان و آموزش عالی ایران: آسیب‌شناسی فرآیند بازیابی هویت حرفه‌ای مهاجران در نهاد دانشگاه، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۵، شماره ۴، صص ۹۷-۱۲۰.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال؛ صادقی، رسول؛ محمدی، عبدالله. (۱۳۹۵)، ماندن یا مهاجرت دوباره مهاجران بازگشته افغانستانی از ایران به کشورشان و عوامل تعیین‌کننده آن، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یازدهم، شماره ۲۱، صص ۴۰-۱۰.
- قاسمی‌اردهایی، علی؛ نوبخت، رضا. (۱۳۹۵)، علل و تعیین‌کننده‌های جریان‌های مهاجرت معکوس در ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۱۱، شماره ۲۱، صص ۷۰-۴۱.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۰)، روش تحقیق کیفی ضد روش؛ مراحل رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- مشفق، محمود؛ نصری، عطیه. (۱۳۹۷)، مهاجرت بازگشتی دانشجویان ایرانی و تعیین‌کننده‌های آن: مطالعه‌ای در بین دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا و کانادا، فصلنامه جمعیت، سال ۲۵، شماره ۱۰۳ و ۱۰۴، صص ۹۱-۱۱۲.
- Cassarino, J. P. (۲۰۰۴). Theorising Return Migration: The Conceptual Approach to Return Migrants Revisited, *International Journal of Multicultural Societies*, ۶ (۲): ۲۵۳-۲۹۹.
- Boyle, P. (۲۰۰۹); "Migration", *International Encyclopedia of Human Geography*.
- Haasde, H., & T. Fokkema (۲۰۱۱). The Effects of Integration Transnational Ties on International Return Migration Intentions Demographic Research, pp: ۵۵۵-۸۸۲.
- King, R. (۲۰۰۰). Generalisations from the History of return Migration, in *Return Migration: Journey of Hope or Despair?*, edited by B. Ghosh, IOM/UN: Geneva. ۷-۵۵.

- Martin, R. & D. Radu (۲۰۱۲). Return migration: The Experience of Eastern Europe, International Migration, ۰۰ (۶).
- Segal, U. A. & G. Heck (۲۰۱۲). Migration, Minorities and Citizenship. In Lyons, K., Hokenstad, T., Pawar, M. & Huegler, N. (eds). SAGE handbook of international social work (pp. ۱۰۰ - ۱۱۵). London, UK: Sage.
- Segal, U.A (۲۰۱۶). Opportunities and Challenges of Return Migration In book: Migrant Workers: Social Identity, Occupational Challenges and Health Practice: ۱۰۰-۱۱۱, Publisher: Noval Science Publishers.
- Senyurekli, A. R., & C. Menjivar (۲۰۱۱). Turkish Immigrants' Hopes and Fears Around Return Migration, Journal of International Migration. Vol. ۰۰ (۱) . ۱۹-۴.



To Study the Intervening Factors of Return Migration of Faculty members in Public Universities of Tehran and its Consequences

Ph.D Student in Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: atyehmolaei@gmail.com

Associate Professor, Department of Sociology, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding author). E-mail: reza_safaryshali@khu.ac.ir

Associate Professor, Department of Demography, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: skazemipour@gmail.com

Abstract

One of the most important capitals in each country is the professional human resources. No doubt, to develop a country, the role of universities faculty members is most important one. The aim of this article is to study the intervening and consequential factors of return migration of faculty members in public universities of Tehran. To do the research, the qualitative method was used, and the data - founded method (Grand Theory) was emphasized. The population is the public university faculty members who have had return migration from ۱۳۹۰ to now. The sample was thirty faculty members who were chosen using theoretical saturation. The findings were approved and improved by those who were expert in this subject. In this research, the data was collected using intensive and semi-structured interview. After the interviews which had been done with faculty members were analyzed, a conceptual framework was formed using faculty members' interpretations. The findings were indicative of some intervening factors which were in the form of financial incapability and governing policies and also showed the consequential factors which were in the form of economical, social- cultural and psychological effects. After the above-mentioned categories were considered, the category "collective agency, function and structure" were chosen as the nucleus category.

Keywords: human resources, return migration, intervening factors, consequential factors, policy-making.

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال نوزدهم، شماره هفتاد و دوم، بهار ۱۴۰۱

